

بودن یا نبودن ؛ مسئله این است! آیا شریف تر آن است که ضربات و لطمات روزگار
نامساعد را متحمل شویم؟ یا آنکه سلاح نبرد به دست گرفته و با انبوه مشکلات به
جنگ رویم؟...مردن ، خفتن ، خفتن و شاید خواب دیدن! آه! مانع همین جا است...آن
زمان که این کالبد خاکی رو بشکافیم درون آن رویاهای مرگباری میبینم! ترس از همین
رویاهاست که عمر مصیبت بار را اینقدر طولانی میکند! زیرا اگر انسان یقین داشته
باشد که با یک خنجر برهنه می تواند خود را آسوده کند ؛ کیست که در مقابل ظلم
ظالم ، تفرعن جابر ، تکبر متکبر ، دردهای عشق شکست خورده و رنج هایی که لایقان
صبور از دست نالایقان میبندند ، تن به تحمل دهد؟!